



پوشش

کلیدواژه: پوشش، **حجاب**، **زینت**، **زنان**، **زینت پنهان**، **زینت آشکار**، **یاکدامنی**، **نگاه حرام**، **روح آرام**، **ترویج فحشا**، **حفظ قداست زناشویی**، **فرزندان** نامشروع.

پرسش: اگر امکان دارد درباره آیه‌های ۳۰ و ۳۱ **سوره نور**

[1] نور (۲۴)، آیه ۳۰.

[2] نور (۲۴)، آیه ۳۱.

توضیح دهید. یعنی این‌که تفسیرهایی را که درباره این دو آیه شده است، شرح دهید.

پاسخ: این دو آیه درباره **پوشش** و **حجاب زنان** در اسلام و محدوده آن است و از آنجایی که **تفسیر** نمونه خلاصه و برداشتی از تفسیرهای متعدد است به همین جهت تفسیر این دو آیه را از تفسیر نمونه ذکر می‌کنیم.

فهرست مندرجات

- ۱ - شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور
- ۲ - مبارزه با چشم‌جرانی و ترک حجاب
- ۳ - ۱. حکم اول: خودداری از نگاه حرام
- ۲.۱ - معنای لغوی "بعضوا"
- ۲.۲ - بیان یک نکته
- ۲.۳ - حفظ "فروج"
- ۲.۴ - معنای لغوی " فرج"
- ۲.۵ - مراد از "حفظ فرج"
- ۲.۶ - وظایف زنان
- ۲.۷ - آشکار نکردن زینت‌ها
- ۲.۸ - مراد از زینت پنهان
- ۲.۸.۱ - ۱. زینت طبیعی زن
- ۲.۸.۲ - ۲. محل زینت
- ۲.۸.۳ - ۳. زینت‌آلات
- ۲.۹ - تفسیر آیه مذکور
- ۲.۱۰ - زینت باطن و ظاهر در روایات ائمه
- ۴ - ۲. حکم دوم: افکندن خمارها بر سینه
- ۴.۱ - معنای "خمر"
- ۴.۲ - معنای "حبوب"
- ۴.۳ - مراد از آیه
- ۵ - ۳. حکم سوم: آشکار کردن زینت زنان در موارد مجاز
- ۶ - ۴. حکم چهارم: پنهان کردن زینت‌های دیگر
- ۷ - سفارش خداوند به توبه و بازگشت به سوی خدا
- ۸ - فلسفه حجاب
- ۸.۱ - ۱. داشتن روح و اعصابی آرام و سالم
- ۸.۲ - ۲. حفظ قداست پیمان زناشویی
- ۸.۳ - ۳. جلوگیری از ترویج فحشا
- ۹ - بانویس
- ۱۰ - ۱. منبع

شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور

در کتاب با ارزش تفسیر نمونه در تفسیر این آیات آمده است: "در کتاب کافی در **شأن نزول** نخستین آیه از آیات فوق (آیه ۳۰) از **امام باقر** - علیه‌السلام - چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد - و در آن روز زنان **مقتعه** خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند - (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می‌شد) **چهره** آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد؛ درحالی‌که راه خود را ادامه می‌داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت **جوان** به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! (سخت ناراحت شد)؛ با

خود گفت: به خدا سوگند من خدمت [پیامبر](#) می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم؛ هنگامی‌ه چشم رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به او افتاد فرمود چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام [حیرتیل](#) ، پیک [وحی](#) خدا نازل شد و آیه فوق را آورد: « **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...** ».

مبارزه با چشم‌چرانی و ترک حجاب

این سوره در حقیقت سوره [عفت](#) و پاکدامنی و پاک‌سازی از انحرافات جنسی است و بحث‌های مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد، آیات مورد بحث که احکام [نگاه](#) کردن و چشم‌چرانی و حجاب را بیان می‌دارد نیز کاملاً به این امر مربوط است و نیز ارتباط این بحث با بحث‌های مربوط به اتهامات ناموسی بر کسی مخفی نیست.

۱. حکم اول: خودداری از نگاه حرام

نخست می‌گوید: "به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه کردن به زنان [نامحرم](#) و آنچه نظر افکندن بر آن [حرام](#) است) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند" « **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ** ». [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۰.

← معنای لغوی "یغضوا"

"یغضوا" از ماده "غض" (بر وزن خز) در اصل به معنای کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود؛ بنابراین آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشم‌هاشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر [انسیان](#) به راستی هنگامی‌ه با زن نامحرمی روبه‌رو می‌شود، بخواهد چشم خود را به کلی ببندد، ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست؛ اما اگر نگاه را از صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد، گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده. قابل توجه اینکه [قرآن](#) نمی‌گوید از چه چیز چشمان خود را فرو گیرند (و به اصطلاح متعلق آن فعل را حذف کرده) تا دلیل بر عموم باشد؛ یعنی از مشاهده تمام آنچه نگاه به آنها حرام است، چشم برگیرند. اما با توجه به سیاق آیات مخصوصاً آیه بعد که سخن از مسئله حجاب به میان آمده، به‌خوبی روشن می‌شود که منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است، شان نزولی را که در بالا آوردیم نیز این مطلب را تایید می‌کند.

← بیان یک نکته

از آنچه گفتیم این نکته روشن می‌شود که مفهوم آیه فوق این نیست که مردان در صورت زنان خیره نشوند تا بعضی از آن چنین استفاده کنند که نگاه‌های غیر خیره مجاز است؛ بلکه منظور این است که انسان هنگام نگاه کردن معمولاً منطقه وسیعی را زیر نظر می‌گیرد، هر گاه زن نامحرمی در [حوزه](#) دید او قرار گرفت، چشم را چنان فرو گیرد که آن زن از منطقه دید او خارج شود؛ یعنی به او نگاه نکند؛ اما راه و جاه خود را ببیند و اینکه "غض" را به معنای کاهش گفته‌اند منظور همین است (دقت کنید).

← حفظ "فروج"

دومین دستور در آیه فوق همان مسئله حفظ "فروج" است.

← معنای لغوی "فرج"

"فرج" - چنان‌که قبلاً هم گفته‌ایم - در اصل به معنای "شکاف" و فاصله میان دو چیز است؛ ولی در این‌گونه موارد کنایه از [عورت](#) می‌باشد و ما برای حفظ معنای کتابی آن در فارسی کلمه "دامان" را به جای آن می‌گذاریم.

← مراد از "حفظ فرج"

منظور از "حفظ فرج" به‌طوری‌ه که در روایات وارد شده است، پوشانیدن آن از نگاه کردن دیگران است، در حدیثی از [امام صادق](#) - علیه‌السلام - می‌خوانیم: «کل آیه فی القرآن فیها ذکر الفروج فهی من الزنا الا هذه الایة فانها من النظر»؛ "هر آیه‌ای که در قرآن سخن از حفظ فرج می‌گوید، منظور حفظ کردن از [زنا](#) است؛ جز این آیه منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است". و از آنجا که گاه به نظر می‌رسد که چرا [اسلام](#) از این کار که با [شیهوت](#) و خواست دل بسیاری هماهنگ است نهی کرده، در پایان آیه می‌فرماید: این برای آنها بهتر و پاکیزه‌تر است؛ « **ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ** ». سپس به عنوان اخطار برای کسانی که نگاه هوس‌آلود و آگاهانه به [زنان](#) نامحرم می‌افکنند و گاه آن را غیر اختیاری قلمداد می‌کنند، می‌گوید: "خداوند از آنچه انجام می‌دهید، مسلماً آگاه است"؛ « **إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** ». [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۰.

← وظایف زنان

در آیه بعد به شرح وظایف زنان در این زمینه می‌پردازد، نخست به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده و می‌گوید: "و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامان خود را حفظ نمایند"؛ «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».
[۵۱] نور (۲۴)، آیه ۳۱.

و به این ترتیب "چشم‌چرانی" همان‌گونه که بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام می‌باشد و پوشانیدن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.

← آشکار نکردن زینت‌ها

سپس به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است، ضمن سه جمله اشاره فرموده:
" آنها نباید زینت خود را آشکار سازند؛ جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است"؛ «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا».
[۶۱] نور (۲۴)، آیه ۳۱.

← مراد از زینت پنهان

در اینکه منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و همچنین زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در میان مفسران سخن بسیار است.

← ۱. زینت طبیعی زن

بعضی زینت پنهان را به معنای زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند؛ درحالی‌که کلمه "زینت" به این معنا کمتر اطلاق می‌شود.

← ۲. محل زینت

بعضی دیگر آن را به معنای "محل زینت" گرفته‌اند؛ زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به‌تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌هاست؛ یعنی گوش‌ها و گردن و دست‌ها و بازوان.

← ۳. زینت‌آلات

بعضی دیگر آن را به معنای خود "زینت‌آلات" گرفته‌اند؛ منتها درحالی‌که روی بدن قرار گرفته و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد.
(این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است؛ هرچند از دو راه مسئله تعقیب می‌شود).

← تفسیر آیه مذکور

حق این است که ما آیه را بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن همان معنای سوم است و بنابراین زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است، آشکار سازند؛ هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، مجاز نیست؛ چراکه قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است.

← زینت باطن و ظاهر در روایات ائمه

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت - علیهم‌السلام - نقل شده نیز همین معنا دیده می‌شود که زینت باطن به "قلاده" (گردنبند)، "دملج" (بازوبند) و "خلخال" (پای برنجن همان زینتی که زنان عرب در مچ پاها می‌کردند) تفسیر شده است.
و چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده، می‌فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینت‌هایی است که نهفته و پوشیده است (دقت کنید).

۲. حکم دوم: افکندن خمارها بر سینه

دومین حکمی که در آیه بیان شده است که: " آنها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند"؛ «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ».

← معنای "خمر"

"خمر" جمع "خمار" (بر وزن حجاب) در اصل به معنای **پوشش** است؛ ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).

← معنای "جیوب"

"جیوب" جمع "جیب" (بر وزن غیب) به معنای یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.

← مراد از آیه

از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول **آیه**، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، **قرآن** دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، مستور گردد. (از **شیان نزول** آیه که قبلاً آوردیم نیز این معنا به خوبی استفاده می‌شود).

۳. حکم سوم: آشکار کردن زینت زنان در موارد مجاز

در سومین حکم مواردی را که **زنان** می‌توانند در آنجا **حجاب** خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد: آنها نباید **زینت** خود را آشکار سازند؛ « **وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ** »؛ مگر (در دوازده مورد):

[۱] نور (۲۴)، آیه ۳۱.

۱. "برای شوهرانشان"؛ « **إِلَّا لِنُعُولِهِنَّ** »؛

۲. "یا پدرانشان" « **أَوْ آبَائِهِنَّ** »؛

۳. "یا پدران شوهرانشان" « **أَوْ آبَاءِ بُعُولِهِنَّ** »؛

۴. "یا پسرانشان" « **أَوْ أَبْنَائِهِنَّ** »؛

۵. "یا پسران همسرانشان" « **أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولِهِنَّ** »؛

۶. "یا برادرانشان" « **أَوْ إِخْوَانِهِنَّ** »؛

۷. "یا پسران برادرانشان" « **أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ** »؛

۸. "یا پسران خواهرانشان" « **أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ** »؛

۹. "یا زنان هم کیششان" « **أَوْ نِسَائِهِنَّ** »؛

۱۰. "یا بردگانشان" (کنیزانشان) « **أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ** »؛

۱۱. "یا پیروان و طفیلیانی که تمایلی به زن ندارند" (افراد سفیه و ابلهی که میل جنسی در آنها وجود ندارد)؛ « **أَوْ النَّبِيِّنَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ** »؛

۱۲. "یا کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند"؛ « **أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَطْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ** ».

۴. حکم چهارم: پنهان کردن زینت‌های دیگر

و بالاخره چهارمین **حکم** را چنین بیان می‌کند: "آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به **زمین** نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود" (و صدای خلخالی که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ « **وَ لَا يَصْرُفْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ** ».

آنها در رعایت **عفت** و دوری از اموری که **آتش شهوت** را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آنچنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی را که در پای دارند، به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این گواه باریکبینی **اسلام** در این زمینه است.

سفارش خداوند به توبه و بازگشت به سوی خدا

و سرانجام با دعوت عمومی همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا آیه را پایان می‌دهد، می‌گوید: "همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان!، تا رستگار شوید"؛ « **وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ حَمِيْعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** ».

[۱] نور (۲۴)، آیه ۳۱.

و اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده‌اید، اکنون که حقایق **احکام** اسلام برای شما تبیین شد، از خطاهای خود **توبه** کنید و برای نجات و فلاح به سوی خدا آید که **رستگاری** تنها بر در خانه او است و بر سر راه شما لغزشگاه‌های خطرناکی وجود دارد که جز با **لطف** او، نجات ممکن نیست، خود را به او بسپارید! درست است که قبل از نزول این احکام، **گناه** و عصیان نسبت به این امور مفهومی نداشت، ولی می‌دانیم قسمتی از مسائل مربوط به آلودگی‌های جنسی جنبه عقلانی دارد و به تعبیر مصطلح از "مستقلات عقلیه" است که حکم **عقل** در آنجا به‌تنهایی برای ایجاد مسئولیت کافی است.

فلسفه حجاب

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر **بهره‌نگی** و **آزادی** جنسی گذارده‌اند و افراد غرب‌زده، بی‌بندوباری زنان را جزئی از آزادی او می‌دانند، سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه‌ای است متعلق به زمان‌های گذشته! ولی مفاسد بی‌حساب و مشکلات و گرفتاری‌های روزافزونی که از این آزادی‌های بی‌قید و شرط به وجود آمده، سبب شده که تدریجاً گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.

البته در محیط‌های اسلامی و مذهبی - به‌ویژه در محیط ایران بعد از [انقلاب](#) جمهوری اسلامی - بسیاری از مسائل حل شده و به بسیاری از این سؤالات عملاً پاسخ کافی و قانع‌کننده داده شده است؛ ولی باز اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که این مسئله به‌طور گسترده‌تر مورد بحث قرار گیرد.

مسئله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره‌کشی از طریق سمع و بصر و لمس (جز آمیزش جنسی) در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد.

بحث در این است که آیا زنان در یک مسابقه بی‌پایان در نشان دادن اندام خود و تحریک [شهوات](#) و هوس‌های آلوده مردان درگیر باشند و یا باید این مسائل از محیط اجتماع بر چیده شود و به محیط [خانواده](#) و زندگی [زنانشویی](#) اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار برنامه دوم است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می‌شود؛ درحالی‌که غربی‌ها و غرب‌زده‌های هوسباز طرفدار برنامه اول‌اند! اسلام می‌گوید، کامیابی‌های جنسی - اعم از [آمیزش](#) و لذت‌گیری‌های سمعی و بصری و لمسی - مخصوص به همسران است و غیر از آن [گناه](#) و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد که جمله « [ذَلِكْ أَزْكَىٰ لَهُمْ](#) » در آیات فوق اشاره به آن است.

← ۱. داشتن روح و اعصابی آرام و سالم

فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست زیرا:

برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون [آرایش](#) و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد، مردان - به‌ویژه جوانان - را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد، تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد؛ مگر اعصاب [انسان](#) چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند؟ مگر همه پزشکان روانی نمی‌گویند [هیجان](#) مستمر عامل بیماری است؟ مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین [غریزه](#) آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه [حوادث](#) مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته‌اند "هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است!" آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است؟ اسلام می‌خواهد [مردان](#) و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این یکی از فلسفه‌های [حجاب](#) است.

← ۲. حفظ قداست پیمان زنانشویی

آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در [جهان طلاق](#) و از هم گسیختگی زندگی زنانشویی در دنیا به‌طور مداوم بالا رفته است؛ چراکه "هر چه دیده بیند، دل کند یاد"؛ و هر چه "دل" در اینجا یعنی هوس‌های سرکش بخواهد به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید.

در محیطی که حجاب است (و شرایط دیگر اسلامی رعایت می‌شود) دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساساتشان و [عشق](#) و عواطفشان مخصوص یکدیگر است.

ولی در "بازار آزاد برهنگی" که عملاً زنان به‌صورت کالای مشترکی (لااقل در مرحله غیر آمیزش جنسی) درآمده‌اند، دیگر قداست [پیمان](#) زنانشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار [عنکبوت](#) به‌سرعت متلاشی می‌شوند و [کودکان](#) بی‌سرپرست می‌مانند.

← ۳. جلوگیری از ترویج فحشا

گسترش دامنه [فحشا](#) و افزایش [فرزندان نامشروع](#)، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است که فکر می‌کنیم نیازی به ارقام و آمار ندارد و دلایل آن - به‌ویژه در جوامع غربی - کاملاً نمایان است، آن‌قدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد. نمی‌گوییم عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع منحصراً بی‌حجابی است، نمی‌گوییم استعمار ننگین و مسائل سیاسی مخرب در آن مؤثر نیست؛ بلکه می‌گوییم یکی از عوامل مؤثر آن مسئله برهنگی و بی‌حجابی محسوب می‌شود. و با توجه به اینکه "فحشا" و از آن بدتر "فرزندان نامشروع" سرچشمه انواع جنایات‌ها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسئله روشن‌تر می‌شود...

[۹] [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۳۶-۲۴۵.](#)

پانویس

۱. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۰.

۲. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۱.

۳. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۰.

۴. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۰.

۵. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۱.

۶. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۱.

۷. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۱.

۸. ↑ [نور \(۲۴\)](#)، آیه ۳۱.

۹. ↑ [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۳۶-۲۴۵.](#)

منبع

